

اثربخشی افزایش دانش جنسی بر رضایت زناشویی زنان متأهل

ناهید راستگو^۱، محمود گلزاری^۲، فرید براتی سده^۳

تاریخ وصول: ۹۳/۲/۲

تاریخ پذیرش: ۹۳/۶/۳۰

چکیده

با توجه به اهمیت بنیان خانواده و از آنجا که مسائل جنسی یکی از مؤلفه‌های مهم برای داشتن یک زندگی بانشاط و پایدار است، پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی افزایش دانش جنسی بر رضایت زناشویی زنان متأهل انجام گردید. پژوهش حاضر نوعی پژوهش شبه آزمایشی است که در آن بعد از اجرای پرسشنامه رضایت زناشویی اسپانیر و رضایت جنسی لارسون بر روی زنان متأهل مراجعه کننده به سرای محله صادقیه (منطقه ۱۸) ۳۰ نفر از آنها به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و درحال انتظار (کنترل) جایگزین شده و در ۱۲ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای تحت آموزش قرار گرفتند. بعد از اجرای پس آزمون و اجرای آزمون در جلسه پیگیری تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل کواریانس نشان داد که افزایش دانش جنسی با ۹۹٪ اطمینان ($f=28.64$) موجب افزایش رضایت زناشویی می‌گردد اما این افزایش تا جلسه پیگیری که یک‌ماه بعد برگزار شد ادامه نداشت و فرضیه دوم پژوهش ($f=.32$) رد شد. پژوهش حاضر نشان داد که افزایش دانش جنسی موجب افزایش رضایت زناشویی زنان می‌گردد اما این افزایش تا جلسه پیگیری ادامه نداشت. بنابراین، برای این که نتایج حاصل از این روش آموزشی ادامه داشته باشد در پژوهش‌های آتی باید تمهیداتی در نظر گرفت. برای مثال می‌توان از وسایل کمک آموزشی بیشتر استفاده شود یا اینکه تکالیف بیشتری برای اجرا در منزل به آزمودنی‌ها داده شود.

^۱ نویسنده مسول: کارشناس ارشد روانشناسی بالینی علامه طباطبائی. nahidrastgo@yahoo.com

^۲ دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی. mahmoudgolzari@yahoo.com

^۳ استادیار دانشگاه قرآن و حدیث. F.baratisedeh@gmail

واژگان کلیدی: دانش جنسی، رضایت زناشویی، رضایت جنسی

مقدمه

ازدواج در جامعه متغیر امروزی یک پدیده پیچیده است. انسان‌ها به دلایل مختلفی ازدواج می‌کنند. عشق، امنیت اقتصادی، محافظت، امنیت عاطفی، احساس آرامش، فرار از تنهایی و تمایلات جنسی تعدادی از عواملی هستند که باعث گرایش به ازدواج می‌شوند (جانتیوز^۱، ۲۰۰۴). در واقع ازدواج موفق و شروع رابطه زناشویی قادر است بسیاری از نیازهای روانی و جسمانی را در یک محیط امن برآورده سازد و تأثیر بسزایی بر سلامت و بهداشت روانی افراد داشته باشد (نورانی پور و همکاران، ۱۳۸۷). رابطه بین دو نفر که با هم ازدواج می‌کنند در مرکز گروه خانواده قرار می‌گیرد. رابطه زوجین متشکل از درهم آمیزی دو شخصیت در یک شخصیت پیوسته زناشویی است که با رابطه مادر و فرزند قابل مقایسه است (شارف و شارف^۲، ۲۰۰۳). یکی از مفاهیم رایج برای نشان دادن میزان شادی و پایداری این رابطه زناشویی مفهوم رضایت زناشویی است (شاه سیاه و همکاران، ۱۳۸۹).

رضایت زناشویی حالتی از خشنودی و رضایت در ازدواج است که از جنبه درون فردی، تجارب ذهنی خوشایند و از جنبه میان فردی هماهنگی میان انتظارات یک طرف با طرف مقابل است که در زمینه های گوناگونی چون سبک زندگی، ارتباط، رابطه جنسی، شرایط اقتصادی و نحوه تصمیم گیری وجود دارد (اسپانیر و لوییس^۳، ۱۹۹۳ به نقل از دیبایان، ۱۳۸۴). برای افزایش رضایت زناشویی تلاش های علمی فراوانی صورت گرفته است و بر آن اساس به طور خلاصه پژوهشگران عوامل زیر را در رضایتمندی زناشویی موثر می دانند: عوامل شناختی، عوامل هیجانی و عاطفی، عوامل فیزیولوژیکی، الگوهای رفتاری، حمایت اجتماعی، خشونت، وجود فرزند، مهارت های ارتباطی، روابط جنسی و... (فراست، ۱۳۸۱). بر این اساس، اگرچه رضایت جنسی تنها یکی از عوامل تأثیر گذار بر رضایت زناشویی است اما میان رابطه جنسی و رضایت زناشویی رابطه زیادی وجود دارد (راش^۴، ۱۹۷۳ به نقل از

1 Janetius, T

2 Sharff J.S&SharffD

3 Spanier&Lewiss

4 Rush

دیبایان، ۱۳۸۴). پژوهش‌های زیادی در این رابطه صورت گرفته است که در بعضی از آن‌ها نشان داده شده است که اگرچه عوامل جنسی یکی از عوامل مهم تأثیرگذار در رضایت زناشویی می باشد ولی نیرومندتر از مسائل دیگر نمی باشد و مشکل در روابط جنسی می تواند نشانه این باشد که مشکلات دیگری در پیوند زناشویی وجود دارد و به اصطلاح کار از جای دیگر خراب است (برزینیاک^۱، ۲۰۰۴). در حالی که پژوهش‌های دیگر نشان‌دهنده این موضوع می باشد که مسائل جنسی از لحاظ اهمیت در ردیف مسائل درجه اول یک زندگی دارند (بیرز^۲، ۲۰۰۵) و یکی از مؤلفه های مهم یک ارتباط جنسی موفق دانش و آگاهی جنسی است (اسپنس^۳، ۱۹۹۱).

دانش جنسی عبارتست از مجموعه معلومات، اطلاعات، دانش و آگاهی فرد در مورد جنسیت و مسائل جنسی از جمله جنبه های فیزیولوژی، تولیدمثل، عملکرد و رفتار جنسی فردی و بین فردی (پورافکاری، ۱۳۸۲). نقش آگاهی و دانش فرد نسبت به مسائل جنسی بسیار مهم است و می تواند بر همه ارتباطات و تعاملات زندگی زوجین تأثیرگذار باشند. جایگاه شناخت به عنوان یک متغیر واسطه ای تعامل افراد با یکدیگر نقش برجسته ای دارد. اگر زوجین در زندگی خود شناخت بیشتری نسبت به این بعد مهم رابطه داشته باشند، قادر خواهند بود که شیوه های ارتباطی خود را تغییر دهند و آن را بهبود بخشند و در هنگام بروز تعارضات و مشکلات زناشویی یک راه حل سازنده را در پیش بگیرند (نادری، ۱۳۸۷). مسترز و جانسون^۴ (۱۹۷۰) طی پژوهش‌های متعدد دریافتند که در موارد بسیاری نابهنجاری‌های جنسی ناشی از عدم آگاهی از نظام پاسخ جنسی می باشد. پژوهش‌های بسیار زیاد دیگری نیز نشان داده اند که علت بسیاری از نابهنجاری‌های جنسی معلومات جنسی کم میباشد (اسپنس، ۱۹۹۱، بنکرافت^۵، ۱۹۸۹، دراگوتیس^۶، ۱۹۷۹، مولن و روزن^۷، ۱۹۷۹ به نقل از عشقی و همکاران).

1 Brezsnayak, M

2 Byers, S

3 Spence & S.h

4 Master, W.H.S & Jahnson, V.E.

5 Bancroft, J

6 Derogatis

7 Mullen & Rosen

در ایران نیز پژوهش نورانی پور نشان داده است که دانش و نگرش جنسی با رضایت زناشویی همبستگی مثبت و معنی دار دارد (نوررانی پور و همکاران، ۱۳۸۶). پژوهش نادری نیز نشان داده است که کمبود دانش جنسی به افزایش تعارضات و آسیب‌های جنسی زوجین منجر می‌گردد در حالی که دانش جنسی بالا باعث پیدا کردن یک راه حل منطقی برای مشکلات زناشویی می‌گردد (نادری، ۱۳۸۷). با استناد به پژوهش‌های ذکر شده مشخص می‌گردد که دانش جنسی با رضایت جنسی و زناشویی رابطه مستقیم و مثبت دارد حال آن‌که پژوهش‌ها درباره میزان دانش جنسی حاکی از آن می‌باشد که میزان دانش جنسی به خصوص در کشور ما به علت مسائل فرهنگی و عقیدتی بسیار پایین می‌باشد و این مسأله در میان زنان شایع‌تر می‌باشد. در پژوهشی که در این زمینه در میان زوجین مراجعه کننده به مرکز مشاوره ازدواج در شمال و شرق تهران صورت گرفت نشان داده شد که میزان متوسط آگاهی افراد از مسائل جنسی در حد ضعیف می‌باشد ۸۶٪ آزمودنی‌ها نیاز به کسب اطلاعات از مراکز بهداشتی ذی صلاح دارند و میان این آگاهی و سطح تحصیلات ارتباط مثبت و معنی دار وجود داشت و در بررسی کلی خانم‌ها بیشتر از آقایان درباره مسائل جنسی اظهار بی‌اطلاعی کردند و متوسط آگاهی آنها نیز کمتر از آقایان بود (زاهدی و همکاران، ۱۳۸۰). حسینی در بررسی زوجین دانشجو نشان داد که میزان رضایت جنسی و زناشویی زنان نسبت به مردان کمتر است و نیاز به توجه و آموزش بیشتری دارد و همچنین پس از آموزش میزان رضایت جنسی زنان نسبت به مردان افزایش بیشتری داشته است که نشان دهنده تأثیرپذیری بیشتر آنان و نیاز بیشتر آنان به اطلاعات و آگاهی درباره مسائل جنسی است (حسینی، ۱۳۸۲ به نقل از قاسمی و همکاران، ۱۳۸۳). با توجه به سوابق پژوهشی و اهمیت مسائل جنسی در زندگی زناشویی پژوهش حاضر در صدد برآمده است که با آموزش افراد و افزایش دانش جنسی گامی در جهت بهبود روابط زوجین بردارد و در صورت کارآمدی آموزش صورت گرفته، نتایج و روش آموزشی در اختیار مراکز بهداشتی-درمانی قرار گیرد.

روش پژوهش

طرح این تحقیق شبه آزمایشی است که در آن متغیر مستقل (آموزش دانش جنسی) مورد دستکاری قرار می‌گیرد تا تأثیر آن بر روی متغیر وابسته (رضایت زناشویی) مشخص گردد و از آنجا که روش نمونه‌گیری در دسترس می‌باشد و فقط جایگزینی در گروه آزمایش و کنترل تصادفی می‌باشد جزء طرح‌های شبه آزمایشی می‌باشد.

در این پژوهش از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. بدین صورت که پرسشنامه سازگاری زناشویی اسپانیر پرسشنامه رضایت جنسی لارسون میان مراجعه‌کنندگان به سرای محله صادقیه اجرا شد و از میان آنها ۳۰ نفر که رضایت زناشویی و جنسی پایین داشتند (نمره کمتر از ۸۵ در رضایت زناشویی و کمتر از ۴۰ در رضایت جنسی) به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. همچنین گروه نمونه زنانی بودند که کمتر از ۳۵ سال سن داشتند و بیشتر از یکسال از زندگی زناشویی‌شان می‌گذشت. سپس این ۳۰ نفر به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و در حال انتظار جایگزین شدند و گروه آزمایش تحت دوره آموزشی قرار گرفت و به گروه در حال انتظار (کنترل) توضیح داده شد که برای بازدهی بیشتر دوره آموزشی آن‌ها در دوره بعدی آموزش داده خواهند شد.

ابزار گردآوری داده‌ها

مقیاس سازگاری دونفره اسپانیر: این مقیاس دارای ۳۲ سؤال است که در سال ۱۹۷۶ توسط اسپانیر برای سنجش میزان سازگاری زن و شوهر تهیه شد و تا سال ۱۹۸۴ در حدود هزار مطالعه به عنوان ابزار اصلی پژوهش بود (اسپانیر^۱، ۱۹۸۵ به نقل از ثنایی ذاکر، ۱۳۷۹). به علاوه از آن پس همواره میان زوج‌های سازگار و ناسازگار از جمله کسانی که احتمال اقدام به طلاق در آنان بیشتر است، تمایز قائل شده است.

اسپانیر در سال ۱۹۷۶ ضریب همسانی درونی ۰/۹۶٪ و اعتبار بالایی را برای سطح نمرات کلی این مقیاس گزارش می‌کنند. اسپانیر برای محاسبه روایی این مقیاس ۲۱۸ نفر را که با همسر خود زندگی می‌کردند را با ۹۴ نفر که طلاق گرفته بودند در این مقیاس مورد مقایسه

قرار داد در این مقایسه میانگین نمرات در گروه تفاوت معناداری را در سطح ($\alpha/0.01$) (ثنایی ذاکر، ۱۳۷۹). این مقیاس توسط حسین نژاد و آموزگار ترجمه شد و در کشور ایران هنجار یابی شده است. این مقیاس با استفاده از روش بازآزمایی و با فاصله زمانی ۱۰ روز روی نمونه‌ای متشکل از ۱۲۰ نفر زوج در تهران اجرا گردید ضریب همبستگی نمرات زنان و شوهران طی دوبار اجرا در کل نمرات 0.86 به دست آمد. این مقیاس پس از ترجمه و انطباق با فرهنگ جامعه مورد مطالعه با استفاده از روش بازآزمایی به فاصله یک هفته اعتباریابی شد و ضریب اعتبار آزمون 0.91 بدست آمد که ضریب بالایی است (حمیدی، ۱۳۸۷ به نقل از میرخشتی، ۱۳۷۵). در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ 0.84 برای این مقیاس به دست آمد.

مقیاس رضایت جنسی: در این پژوهش از پرسشنامه از پیش ساخته شده‌ای که توسط لارسون^۱ برای سنجش رضایت جنسی ساخته شده است استفاده شده است. این پرسشنامه دارای ۲۵ سؤال با گزینه‌های هرگز، به ندرت، گاهی اوقات، اکثر اوقات (۵-۱) است طبق این مقیاس پاسخگویان در چهار گروه با رضایت کامل، رضایت نسبی، رضایت کم و عدم رضایت قرار می‌گیرند. برای تعیین روایی این پرسشنامه از روش آزمون مجدد استفاده شده است که بر آن اساس ضریب $r=0.89$ بدست آمده است که ضریب بالایی می‌باشد (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۰). در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ 0.89 برای این مقیاس به دست آمد.

روش تحلیل یافته‌ها

از آنجا که طرح آزمون به صورت گروه آزمایش و در حال انتظار بود و پیش آزمون نیز بر روی آن‌ها اجرا گردید لذا برای خنثی کردن و از بین بردن اثرات پیش آزمون بر روی پس آزمون و اثرات پس آزمون بر روی پیگیری از آزمون تحلیل کواریانس برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

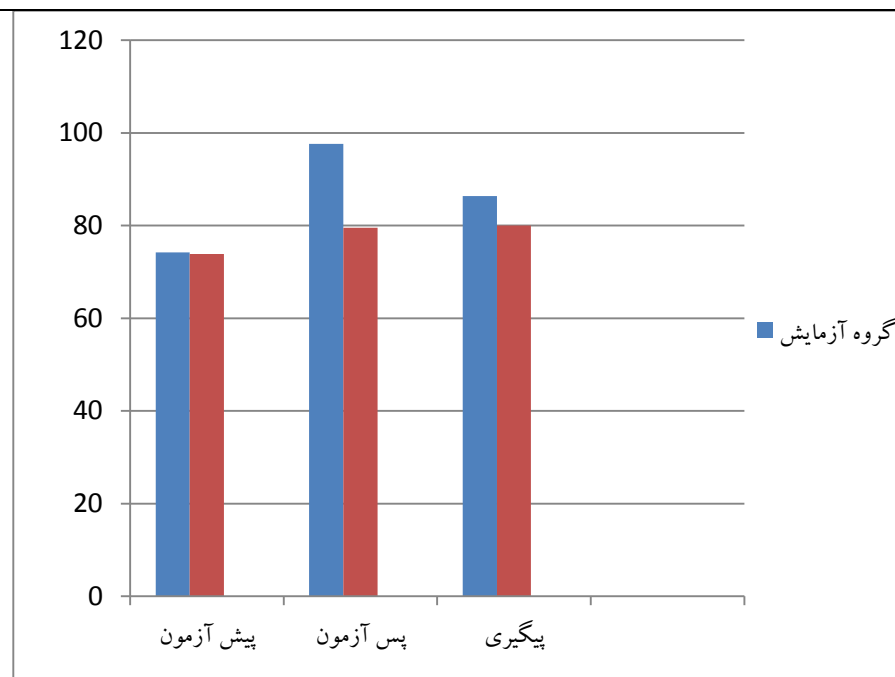
1 Larson, JH.

یافته‌ها

در این پژوهش بعد از جمع آوری داده‌ها و تحلیل نتایج با استفاده از نرم افزار SPSS نتایج زیر به دست آمد:

جدول ۱. میانگین نمرات آزمودنی‌ها

گروه آزمایش	گروه در حال انتظار	
۷۴٫۲	۷۳٫۸۶	پیش آزمون
۹۷٫۶	۷۹٫۵۳	پس آزمون
۸۶٫۴	۸۰	پیگیری



نمودار ۱. مقایسه ای تغییرات میانگین گروه آزمایش و در حال انتظار در مقیاس رضایت زناشویی.

آنچه که با تحلیل توصیفی داده‌ها بدست آمده است این است که میانگین نمرات آزمودنی‌ها در گروه آزمایش از پیش آزمون (۷۴/۲) تا پس آزمون (۹۷/۶) افزایش قابل

ملاحظه‌ای داشته است در حالی که در گروه در حال انتظار (کنترل) از پیش‌آزمون (۷۳/۸۶) تا پس‌آزمون (۷۹/۵۳) تغییر قابل ملاحظه در میانگین نمرات مشاهده نشده است. در مورد جلسه پیگیری نیز مشاهده می‌شود که در گروه آزمایش میانگین نمرات آزمودنی‌ها از پس‌آزمون (۹۷/۶) تا پیگیری (۸۶/۴) کاهش پیدا کرده است در حالی که در گروه در حال انتظار (کنترل) تغییر میانگین از پس‌آزمون (۷۹/۵۳) تا پیگیری (۸۰) بسیار کم بوده است.

جدول ۲. تحلیل کواریانس پیش‌آزمون و پس‌آزمون.

سطح معناداری	F	مجذور میانگین	درجه آزادی	مجموع مجدورات	
۰/۰۰۱	۲۳/۲۵۰	۱۹۳۶/۹۸۸	۲	۳۸۷۳/۹۷۵	نمونه اصلاح شده
۰/۰۰۱	۱۷/۱۱۶	۱۴۲۵/۹۴۲	۱	۱۴۲۵/۹۴۲	پیش‌آزمون
۰/۰۰۱	۲۸/۶۴۸	۲۳۸۶/۶۵۰	۱	۲۳۸۶/۶۵۰	گروه
		۸۳/۳۱۱	۲۷	۲۲۴۹/۳۹۲	خطا
			۳۰	۲۴۱۴۴۵	مجموع
			۲۹	۶۱۲۳/۳۶۷	مجموع اصلاح شده

خروجی اصلی جدول تحلیل کواریانس خط سوم می‌باشد که در آن f جدول برابر با (۲۸/۶۴) می‌باشد و از آنجا که سطح معناداری آن از ۰/۵۰ کمتر است بنابراین نتیجه می‌گیریم که f بدست آمده معنادار است و فرضیه اول پژوهش مبنی بر این که افزایش دانش جنسی موجب افزایش رضایت زناشویی می‌شود، تأیید می‌گردد و فرض صفر رد می‌شود.

جدول ۳. تحلیل کواریانس پس آزمون و پیگیری.

سطح معناداری	F	مجذور میانگین	درجه آزادی	مجموع مجذورات	
۰/۰۰۱	۱۱/۰۵۶	۵۳۸/۲۰۵	۲	۱۰۷۶/۴۱۱	نمونه اصلاح شده
۰/۰۰۱	۱۵/۸۰۱	۷۶۹/۲۱۱	۱	۷۶۹/۲۱۱	پس آزمون
۰/۵۷۵	۰/۳۲۲	۱۵/۶۶۱	۱	۱۵/۶۶۱	گروه
		۴۸/۶۸۱	۲۷	۱۳۱۴/۳۸۹	خطا
			۳۰	۲۱۰۰۵۸	مجموع
			۲۹	۹۰۲۳/۸۰	مجموع اصلاح شده

خروجی اصلی تحلیل کواریانس در جدول فوق خط چهارم می باشد که در آن f بدست آمده (۰/۳۲) معنادار نیست زیرا که سطح معناداری آن (۰/۵۷) از سطح معناداری ۰/۵۰ بزرگتر است لذا فرضیه دوم پژوهش مبنی بر این که افزایش رضایت زناشویی تا جلسه پیگیری ادامه دارد رد می شود و فرض صفر تأیید می گردد.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به نتایج بدست آمده میانگین نمرات گروه آزمایش در پرسشنامه رضایت زناشویی اسپانیر در پیش آزمون (۷۴/۲) می باشد و در پس آزمون میانگین نمرات به (۹۷/۶) ارتقا یافته است. این در حالی است که میانگین نمرات آزمودنی های گروه در حال انتظار در پیش آزمون (۷۳/۸۶) و در پس آزمون (۷۹/۵۳) می باشد و تغییر قابل ملاحظه ای در میانگین نمرات صورت نگرفته است. تحلیل استنباطی داده ها با استفاده از آزمون تحلیل کواریانس و با توجه به نتایج جدول ۲ نشان می دهد از آنجا که f به دست آمده (۲۸/۶۴) است و سطح معناداری آن از ۰/۵۰ کوچکتر است، در نتیجه تفاوت میانگین به دست آمده در پیش آزمون و پس آزمون گروه - آزمایش با گروه در حال انتظار معنادار است و این تفاوت به دست آمده ناشی از تصادف نیست بلکه ناشی از متغیر مستقل (افزایش دانش جنسی) می باشد و فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه افزایش دانش جنسی موجب افزایش رضایت زناشویی زنان

متأهل می‌گردد، تأیید می‌شود. نتیجه بدست آمده با نتایج پژوهش‌های دیوبند (۱۳۹۰)، نجاتیان، باقری و شرقی (۱۳۸۳) و بارون و بایرون (۲۰۰۴) که نشان دادند، آموزش مهارت‌های جنسی و پیشگیری از بارداری موجب افزایش رضایت جنسی، زناشویی، کاهش خشونت‌های جنسی و ناسازگاری زناشویی، زنان متأهل می‌گردد؛ پژوهش‌های شاه سیاه و همکاران (۱۳۸۹) و رهنما (۱۳۸۰) که نشان می‌دهد مشاوره زناشویی تأثیر مثبتی بر رضایت زناشویی دارد همخوان است. همچنین نتیجه به دست آمده مؤید پژوهش نورانی پور و همکاران (۱۳۸۶) است که نشان دادند بین دانش و نگرش جنسی و رضایت زناشویی و جنسی همبستگی مثبت و معنی دار وجود دارد. همچنین این نتیجه مؤید پژوهش‌های رحمانی و همکاران (۱۳۹۰)، بخشایش و مرتضوی (۱۳۸۷)، رضایی پور و همکاران (۱۳۸۲)، هانی و بائورنگ (۲۰۰۵) و اسمانتالیتز و گوردون (۲۰۰۵) می‌باشد که نشان دادند رضایت از زندگی زناشویی به میزان زیاد با رضایت جنسی در ارتباط است.

نتیجه به دست آمده با نظریه‌هایی چون روانکاوی، گشتالتی و مزلو که بیان می‌کنند نیاز جنسی یکی از نیازهای مهم بشر است که انگیزه بسیاری از رفتارهای آدمی است و عشق و تمایلات جنسی در اغلب افراد با یکدیگر آمیخته‌اند و جدا از هم نیستند هم پوشانی دارد. اما چنین نتیجه‌ای با دیدگاه‌های آدلر، فروم، هورنای و... که بیان می‌کنند رابطه محبت و تمایل جنسی یک رابطه حتمی و ضروری نیست، عشق نتیجه رضایت جنسی نیست و علت مشکلات جنسی ناآگاهی از روش‌های جنسی نیست بلکه منع‌هایی است که عشق را غیرممکن می‌سازد، مغایرت دارد.

رای تبیین چنین نتیجه‌ای می‌توان گفت که همان‌طور که بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده‌اند رضایت جنسی نقش بسیار مهمی در رضایت افراد از زندگی زناشویی‌شان دارد. بسیاری از افراد مخصوصاً در کشور ما با اطلاعات ناقص و گاه حتی اشتباه وارد رابطه زناشویی می‌شوند که نتیجه آن رابطه‌ای با کیفیت پایین می‌باشد. ارائه اطلاعات صحیح در زمینه چرخه پاسخ جنسی، تفاوت‌های زن و مرد در این زمینه و در ابراز عشق، دیدگاه اسلام در زمینه رابطه جنسی نه تنها احتمال بهبود مهارت‌های عملی را افزایش می‌دهد بلکه باعث اصلاح بسیاری از باورهای اشتباه آزمودنی‌ها می‌گردد که این مسأله مخصوصاً در خانم‌ها

بسیار حائز اهمیت می‌باشد زیرا همانطور که می‌دانیم مکانیزم راه اندازی میل جنسی در زنان به مقدار زیادی تحت تأثیر افکار و باورهای قرار دارد که در این زمینه دارند؛ برخلاف مردان که به راحتی و خیلی زود از طریق حس بینایی و یا بویایی برانگیخته می‌شوند.

در جهت پی‌گیری فرضیه دوم نیز تحلیل نتایج جدول ۲ نشان داد که میانگین آزمودنی‌ها در گروه آزمایش در جلسه پیگیری (۸۶/۴) نسبت به جلسه آخر (۹۷/۶) کاهش داشته است که چنین چیزی در مورد گروه در حال انتظار (کنترل) اتفاق نیافتاده است و میانگین نمرات در پس آزمون با پیگیری تفاوت چندانی ندارد (پیگیری: ۸۰؛ پس آزمون: ۷۹/۵۳). این کاهش میانگین در مود گروه آزمایش با توجه به گذشت یک‌ماه از اتمام جلسات امری طبیعی است زیرا که آزمودنی‌ها در جلسه پس آزمون بیشتر تحت تأثیر مطالب گفته شده در آن بودند. از طرف دیگر بعد از یک‌ماه مطالب یاد گرفته شده در کلاس به دست فراموشی سپرده می‌شوند که این فراموشی علت‌های مختلفی دارد و یکی از علت‌های آن پدیده‌ای به نام بازداری پیش‌گستر است که در آن اطلاعات قبلاً آموخته شده باعث می‌شود که نتوانیم اطلاعات تازه یاد گرفته شده را به یاد آوریم.

در تحلیل استنباطی داده‌ها نیز مشخص شد که f بدست آمده ۰/۳۲ می‌باشد و از آنجا که سطح معناداری آن (۰/۵۷) از سطح معناداری ۰/۵۰ بزرگتر است لذا نتیجه می‌گیریم که تفاوت میانگین نمرات از پس آزمون تا پیگیری در گروه آزمایش و در حال انتظار تفاوت معناداری با هم ندارد و تفاوت میانگین به دست آمده ناشی از تصادف است و افزایش رضایت زناشویی تا جلسه پیگیری ادامه نداشته است. در نتیجه فرضیه دوم پژوهش رد می‌شود و فرض صفر تأیید می‌شود و اثرات دوره آموزشی بعد از یک‌ماه از بین رفته است که نتیجه بدست آمده با پژوهش‌های ذکر شده برای فرضیه قبلی ناهمخوان است. که می‌توان گفت این عدم پایداری می‌تواند ناشی از فراموشی مطالب کلاس یا تداخل آن‌ها با مطالب آموخته شده قبلی باشد (بازداری پیش‌گستر) باشد. یا به این دلیل باشد که از آن‌جا که رابطه جنسی و زناشویی رابطه‌ای دو طرفه است لذا باید مردان نیز در این دوره‌های آموزشی شرکت داده شوند و از آن‌جا که در دوره مورد نظر به علت مؤنث بودن محقق و عدم همکاری آزمودنی‌ها امکان برگزاری کلاس برای مردان وجود نداشت لذا اثرات این دوره بعد از یک‌ماه از بین

رفته است. هم‌چنین همان‌طور که می‌دانیم رضایت زناشویی تحت تأثیر عوامل دیگری به جزء رضایت جنسی می‌باشد از قبیل مسائل اقتصادی، باورها و شناخت‌ها، مذهب، مسائل فرهنگی و... لذا ممکن است این عوامل بر عامل رضایت جنسی غلبه کرده باشند.

منابع

- بخشایش، علیرضا. مرتضوی، مهناز. (۱۳۸۸). رابطه رضایت جنسی، سلامت عمومی، رضایت زناشویی در زوجین، فصلنامه روانشناسی کاربردی، سال ۳، ۴ (۱۲): ۷۳-۸۵.
- پورافکاری، نصرت‌الله. (۱۳۸۲). فرهنگ جامع روانشناسی - روانپزشکی حاوی بیش از ۲۰۰۰ واژه و اصطلاح، تهران: فرهنگ معاصر.
- ثناپی، باقر. (۱۳۷۹). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج، تهران: بعثت.
- دیوبند، ساره. (۱۳۸۷). بررسی اثر بخشی آموزش مهارت‌های برقراری رابطه جنسی بر رضایت زناشویی نوعروسان تحت پوشش کمیته امداد شهر بابل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- رهنما، اکبر. (۱۳۸۰). بررسی تأثیر آموزش‌های ضمن ازدواج بر رضایت زناشویی گروهی از زوجین تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی تهران، تهران: دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.
- رحمانی، اعظم. مرقاتی خویی، عفت السادات. صادقی، نرجس. الله قلی، لیلی. (۱۳۹۰). ارتباط رضایت جنسی با رضایت از زندگی زناشویی، نشریه پرستاری ایران، ۲۴ (۷۰): ۸۲-۹۰.
- زاهدی، ماندانا. ماهیار، آذر. محرابی، یداله. (۱۳۸۰). بررسی میزان آگاهی زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره ازدواج شمال و شرق تهران در مورد روابط سالم، سمینار جایگاه بهداشت جنسی در باروری و ناباروری، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- رضایی پور، افسر. تقی زاده، زیبا. ایازی، رزیتا. (۱۳۸۲). بررسی میزان رضایتمندی از روابط زناشویی در زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر اراک، مجله دانشکده پرستاری، ۹ (۱۲).

دیباپیان، شهرزاد. (۱۳۸۴). میزان اثربخشی درمان راه حل مدار بر رضایت زناشویی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
 شاه سیاه، مرضیه. محبی، سیامک. تیرایی، یاسر. (۱۳۸۹). *مجله تحقیقات نظام سلامت*، ۶ (۱۲).

عشقی، روناک. بهرامی، فاطمه. فاتحی زاده، مریم السادات. (۱۳۸۵). بررسی اثربخشی مشاوره شناختی-رفتاری جنسی زوجین بر بهبود سردمزاجی زنان آنان در شعر اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.

فراست، زهرا. (۱۳۸۲). مقایسه منبع کنترل و رضایت زناشویی در زنان خانه دار و شاغل در تهران، تهران: دانشگاه تربیت معلم.

قاسمی، سعادت. احسانپور، سهیلا. (۱۳۸۳). بررسی مقایسه ای نیازهای آموزشی داوطلبین ازدواج در حیطه روابط جنسی، سمینار خانواده و مشکلات جنسی شاهد.

میرخشتی، فرشته (۱۳۷۵). بررسی رابطه رضایت از زندگی زناشویی و سلامت روان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد رودهن.

نادری، فرح. (۱۳۸۷). رابطه بین دانش و نگرش جنسی، مؤلفه عشق و رضایت زناشویی با همسر آزاری در کارکنان متأهل ادارات دولتی شهر اهواز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی اهواز.

نجاتیان، مریم. باقری، ناصر. شریفی، محمدرضا. (۱۳۸۳). بررسی تأثیر آموزش زناشویی موفق و پایدار بر میزان آگاهی زنان مراجعه کنندگان به مراکز مشاوره پیش از ازدواج نسبت به رابطه زناشویی، سمینار جایگاه بهداشت جنسی در باروری و ناباروری، تهران: شهیدبهشتی.

نورانی پور، رحمت الله. بشارت، محمدعلی. یوسفی، اسکندر. (۱۳۸۶). بررسی رابطه دانش و نگرش جنسی با رضایت زناشویی، تازه ها و پژوهش های مشاوره، ۲۴.

- Brezsnyak, M. Whisman, MA. (2004). Sexual desire and relationship functioning: the effects of marital satisfaction and power. *J Sex Marital Ther.* 30(3): 199-217.
- Byers, Sandra. (2005). Relationship satisfaction and sexual satisfaction: a longitudinal study of individuals in long-term relationships. *J Sex Res.* 42(2): 11.
- Janetius, T. (2000). Marriage and marital adjustment. Available online at www.homestead.com/Psycho-religion/files/adjustment.
- Masters, W.H. & Johnson, V. E. (1970). Human sexual inadequacy, Boston: little brown.
- Sharff, J. S. & Sharff, D. (2003). Object relations and psychodynamic approaches to couple and family therapy. New York: Brunner
- Spanier, G. B; Lewis, R. A . (1980). Marital quality :a review of seventies, *journal marriage and family*, 42: 825-839.
- Spence, S. h. (1991). psychosexual therapy: a cognitive behavioral approach, London: chapman and hall.